

اجمل‌التواریخ: ۹-۱۰).

قطع کتاب جیبی دارای ۱۶۲ صفحه که دو صفحه آخر احوال هدایت و غلط‌نامه مختصر کتاب را شامل است. پس از آن منظومه «عشق‌نامه» از اسدالله غالب آمده که از شاعران و ملازمان مظفرالدین شاه بوده و شماره‌گذاری مجدد صورت گرفته است. گفتنی است که چاپ سنگی اجمل‌التواریخ به سال ۱۲۸۳ق و در شهر تبریز صورت پذیرفته است.

۸. مظاهرانوار

در مقدمه این کتاب هدایت پس از اظهار ندامت از تألیفات گذشته خود و گنجاندن اسامی آثار خود در عباراتی مسجع در مورد این اثر می‌نویسد:

مجملی از حالات و غزوات و معجزات حضرت خاتم النبیین بر نگاشتم و حالات فخرالواصلین و محاربات و شهادت آن حضرت را بدان موصول داشتم و در هر بابی که به نام «ظهور» نامیده شد، حال هر معصومی را تا زمان شهادت مختوم به مرتبتی کردم و برخی از خوارق عادات و آثار هر یک در سلک بیان آوردم چون نور خورشید جلال و جمال حضرت حبیب ذوالجلال در دوازده برج امامت و ولایت و کمال باهر و ظاهر است لهذا ترتیب و تقسیم این ترکیب محتوی است بر یک نور و دوازده ظهور و یک حجاب در خاتمه کتاب در ذکر اصحاب و بدین ملاحظه که هر یک از ائمه اثنا عشر مظهر انوار ذات خیر البشر می‌باشند، این خجسته کتاب موسوم آمد به مظاهرانوار فی مناقب ائمة اطهار (همو، مظاهرانوار: ۵).

مظاهرانوار به سال ۱۲۸۰ق در تبریز با خط محمدعلی تبریزی به چاپ سنگی رسید. این چاپ در ۴۷۴ صفحه و با قطع رحلی صورت گرفته است و درباره زمان تألیف این اثر پر برگ در شعر اختتامیه کتاب آمده است.

بر هزار و دو صد و سی شد و پنج که پر از در شد این همایون گنج

۹. ریاض‌المحبین

کتابی است منثور و مسجع که ابیاتی از مؤلف و دیگر شعرای شهیر خصوصاً مولانا آن را زینت بخشیده است. هدایت انگیزه تألیفش را چنین می‌نگارد:

حقیر بی‌بضاعت و خوشه‌چین ارباب معرفت رضاقلی ابن محمدقلی نوری — غفر الله له — یک چند از برای بقای نسل آیت رب لا تدرنی فرداً و انت خیر الوارثین مداومت نموده و چون مسألتم را اجابت نفرمودند، خود را ملامت گرفتم... پس دل به داغ

نومیدی نهاده، زبان در مقال اهل حال برگشادم تا چون کمیت جان بر جهان دیگر جهانم و در رکاب شاهسواران آن میدان پیاده مانم به روزگارم یادگاری بماند (همو، ریاض‌المحبین: ۵-۶).

ریاض‌المحبین در یک مقدمه و دو مقاله تنظیم شده است: مقاله اول در «محبّت مذموم» که مراد از آن حبّ دنیاست و مقاله دوم در «محبّت ممدوح» است که سه باب دارد. باب اول در «محبّت الدنیا لله»، باب دوم «محبّت اولیاء الله» و باب سوم «محبّت الله». کتاب مذکور در سال ۱۲۷۰ق با خط محمد رضا کلهر نگاشته شد و در چاپخانه آقا میر محمد باقر به صورت سنگی انطباع یافت. همچنین در سال ۱۳۷۶ انتشارات بقیه‌الله قم آن کتاب را در ۳۰۶ صفحه و با قطع وزیری به چاپ رساند. متأسفانه در چاپ اخیر مقدمه هدایت، بخش اهدا و سبب تألیف کتاب حذف شده است. پس از این نیز در قم، چند نوبت دیگر این کتاب به چاپ رسیده است.

نکته قابل توجه در مقدمه ریاض‌المحبین آنکه نام پدر هدایت، محمدقلی نوری آمده، حال آنکه پیش از این گفتیم، نام پدر او هادی بوده است. نکته دیگر آنکه در اکثر کتب تراجم که از هدایت سخنی به میان آورده‌اند، نام کتاب را در میان آثار او ذکر نکرده‌اند و این دو خود جای تأملی بسزا دارد. الدررعه کتاب را چنین معرفی می‌کند:

فی الوعظ و الاخلاق علی سبیل القصص و تمثیل و الحکایات نظم و نثر فارسی نظیر گلستان و فی آخره جمله من المراثی (آقا بزرگ تهرانی ۱۴۰۸ق: ۱۱/۳۳۵).

اما با مطالعه دقیق کتاب و دقت به عناصر داستانی که غالباً حیوانات هستند و نظر به اسلوب جمله‌بندی می‌توان دانست که این کتاب نظیره‌ای به طریق کلیله و دمنه است نه گلستان. نکته قابل توجه دیگر کثرت اشعار مولانا و گاه تکرار حکایات مثنوی در متن این کتاب است.

۱۰. مدارج‌البلاغه

کتابی است در علم بدیع و معرفی صنایع این علم با سه ویژگی برجسته که در کتب سابق کمتر نشانی از این خصوصیات می‌توان یافت. نخست: صنایع ادبی در این کتاب به ترتیب حروف الفبا منظم و مدوّن شده است، تا به قول هدایت اگر مرد جوینده را بیاید که صنعتی از صنایع را بیابد، مدتی در وادی انتظار نشتابد و

مطلوب خود را به واسطه رابطه به آن قاعده و ترتیب و اسلوب به زودی جوید و به ملاحظه مراعات حرف اول، هر صنعتی را در محل خود بی‌زحمت و حیرت در یابد (هدایت، مدارج‌البلاغه: ۳).

دوم: از آنجا که بدیع و به طور کلی علوم بلاغی از بطن زبان عربی پا به عرصه وجود نهاده‌اند، اکثر کتب، مربوط به زبان عربی بوده و حتی آنها که به زبان فارسی تدوین شده، مشحون و مملو از شواهد عربی است. اما مدارج‌البلاغه، چنان‌که هدایت می‌نویسد: «در شواهد به اشعار قصاید و ابیات فراید کثیرالفواید پارسیه اختصار و اقتصار افتاد» (همان: ۴). سوم: چنان‌که اهل فن آگاه‌اند، کتب بدیعی غالباً در ثبت شواهد و اشعار و مدارج کتب قدیم‌ترند. به عبارت دیگر مؤلفان کتابهای بدیع پس از معرفی هر صنعت اکثراً شواهد را از کتابهای سابق و پیشرو که پیش رو داشته‌اند بی‌کم‌وکاست به کتاب خود منتقل می‌کردند، اما در مطالعه مدارج‌البلاغه شاهدیم که بیشتر شواهد بدیعی ابیاتی بدیع و بی‌سابقه است. این کتاب اول بار در سال ۱۳۳۱ق به دستور مخبرالسلطنه در چاپخانه سنگی محمدی شیرازی با قطع رقعی و در ۲۳۰ صفحه به چاپ رسید. این چاپ با مقدمه عالمانه تقی دانش (ضیاء لشکر) در چهار صفحه، و به خط ابن علی نقی محمود شیرازی (میرزا محمود ادیب) کتابت شده است. همچنین در سال ۱۳۵۵ش کتابفروشی معرفت در شیراز با همت حسن معرفت اقدام به چاپ مجدد این کتاب در ده + ۲۲۲ صفحه نمود.

سومین چاپ از مدارج‌البلاغه با تصحیح حمید حسنی و همکاری بهروز صفرزاده صورت پذیرفته و انتشارات فرهنگستان زبان و ادب فارسی در سال ۱۳۸۳ آن را منتشر ساخته است. مصحح مبنای تصحیح خود را همانند چاپ دوم این کتاب در انتشارات معرفت شیراز بر اساس چاپ سنگی اول این اثر قرار داده است. همچنین مصحح اضافه می‌کند که این اثر در سال ۱۳۷۵ برای چاپ به انتشارات روزنه سپرده شد، ولی دلیل هشت سال توقف آن را نگفته است.

۱۱. شمس‌الحقاییق

این کتاب برگزیده‌ای از قصاید و غزلیات مولاناست و اهمیت آن از این جهت است که برای اولین بار، منتخبی از کلیات شمس با حسن سلیقه، انتخاب و تحت عناوینی هم چون «شوق»، «طلب»، «لزوم راهنما» و... آمده است.

شمس‌الحقاییق دو بار در تبریز و یک بار در تهران به چاپ سنگی رسیده است. چاپ سنگی تهران در تاریخ ۱۲۸۲ق بدون صفحه‌شمار توسط عبدالرحیم و با خط نصرالله تفرشی در ۳۴۱ صفحه طبع گردید. عبدالرحیم در پایان کتاب شرح می‌دهد که نسخه دو بار به فرمان مظفرالدین شاه در تبریز به چاپ رسید و سه‌هزار جلد آن را بردند و استقبال چنان بود که از آذربایجان خارج نشد تا او اجازه طبع مجدد آن را گرفت و در تهران اقدام به چاپ سنگی آن نمود. درنگ و تأملی در اینجا بسزاست که استقبال مردم آن روزگار از کتاب چگونه بوده است که دو چاپ در یک سال با سه‌هزار نسخه همه خریداری شده و حتی از مرز تبریز کتابی بیرون نرفته است؛ فتأمل. شمس‌الحقاییق در سال ۱۳۶۶ش با عنوان جدید چشمه خورشید و با مقدمه رضا معصومی تجدید چاپ شد.

۱۲. مفتاح‌الکنوز

شرحی است بر دشواریهای اشعار خاقانی که ضیاءالدین سجادی ابتدا آن را در مقاله «شروح اشعار خاقانی» به کوتاهی معرفی کرد (سجادی ۱۳۶۹: ۱۶۲-۱۶۳). سپس در نامواره محمود افشار (۳۴۲۲/۶-۳۵۶۰) آن را به چاپ رساند. هدایت در مقدمه مفتاح‌الکنوز آورده است:

اگرچه استماع افتاده که سابق بر این بعضی از فضلا و علما شرحی بر آن [اشعار خاقانی] نوشته‌اند لیکن چون دیده نگردیده و نسختی از آن در این بلد و شهر شهره نبوده، با عدم بضاعت و قلت استطاعت در این خیال افتاد که لغاتی که در ابیات آن دیوان فصاحت توأمان مندرج آمده با کنایات و استعارات ضبط و ثبت شود و در ذیل هر بیتی از ابیات مشکله حکیم مذکور نیز علی‌الاختصار کلمه‌ای چند مسطور نماید که شاید فی‌الجمله وضوح حاصل آید (هدایت، مفتاح‌الکنوز: ۳۴۲۷).

چنان‌که مصحح محترم بیان داشته، متن حاضر تنها بر اساس یک نسخه که در کتابخانه استاد ماهیار نوابی بوده تصحیح شده است و این نسخه هم در آخر افتادگی دارد. هدایت در مقدمه اشاره می‌کند که قصد داشته شرحی هم بر تحفة‌العراقین بنویسد که گویا موفق به این کار نشده است.

ستۀ ضروریہ

شش منظومہ‌ای است که هدایت نظیرۀ آثار بزرگان ادب سروده است. گفتیم که در این مقاله ابتدا آثار چاپی هدایت سپس کتبی که به صورت خطی باقی مانده است معرفی می‌شوند. *گلستان ارم* که جزء ستۀ ضروریہ است به عنوان آخرین اثر چاپ‌شده هدایت معرفی می‌گردد و البته پیش از آن به ذکر نامی از ستۀ ضروریہ اکتفا می‌کنیم و سپس به معرفی مشروح آنها می‌پردازیم. ۱. *انوارالولایہ* بر وزن مخزن‌الاسرار؛ ۲. *گلستان ارم* بر وزن خسرو و شیرین؛ ۳. *بحرالحقایق* بر وزن حدیقہ سنایی؛ ۴. *انیس‌العاشقین* بر وزن لیلی و مجنون؛ ۵. *خرم بهشت* بر وزن شاهنامه؛ ۶. *هدایت‌نامه* بر وزن مثنوی مولانا. در مورد ترتیب تاریخی سرودن ستۀ ضروریہ، هدایت و دیگر تراجم مربوط به او سخنی به میان نیاورده‌اند و از آنجا که تنها *گلستان ارم* از میان آنها چاپ شده است از داشتن شواهد درون متنی نیز برای تعیین و ترتیب دقیق سرودن منظومہ‌ها محروم هستیم.

۱۳. *گلستان ارم*

منظومۀ حاضر به داستان مهرورزی رابعۀ شاعر با بکتاش می‌پردازد. این حکایت پیش از این در *الهی‌نامہ* عطار طی ۴۲۲ بیت آمده است (عطار، *الهی‌نامہ*: ۲۵۹ – ۲۷۵). در تمامی داستانهای عاشقانه ادب فارسی پسر و جنس مذکر است که ابتدا نرد عشق می‌بازد

و شاید تنها مثال متفاوت در این مجموعه داستان رابعه و بکتاش باشد که در آن دلدادگی و عشق از جانب دختر آغاز می‌شود و در واقع معشوق این داستان یک مرد است (هدایت، *گلستان ارم*: ۷).

گلستان ارم که به *بکتاش‌نامه* نیز شهرت دارد در بحر هزج مسدس محذوف و به تقلید از خسرو و شیرین سروده شده است. این منظومہ اول بار در سال ۱۲۷۰ق و بار دیگر در سال ۱۲۷۲ق در ۲۰۶ صفحه با قطع پالتویی به چاپ سنگی رسیده است. در سال ۱۳۸۱ نیز *گلستان ارم* به اهتمام بهروز محمودی بختیاری با قطع رقعی، توسط انتشارات عطایی در ۲۰۶ صفحه چاپ شد که ۶۲ صفحه آن را مقدمه تشکیل داده است.

این آثار که از هدایت نام بردیم به چاپ رسیده‌اند؛ اما اینک کتبی که به صورت خطی از او باقی است، عبارت‌اند از:

۱۴. نثر/نامه

کتابی است به نثر در نسب نامه شاهان ایرانی که در یک مقدمه، هجده طبقه و یک خاتمه تنظیم شده است. هدایت هدف از تألیف آن را چنین می‌نگارد:

دوستی دانای خردمند پارسی پارسا نژاد نیک‌نهاد بیش‌جوی دانش‌جوی بر آن داشت تا چیزی تازه ببايد بنگارم که چون روزگار پادشاهان ایرانی سپری شد، آیا از تخمه نژاد آن گروه کسی به پادشاهی و افسر‌داری رسید یا دیگر بار بر سریر بزرگی بار نیافتند (هدایت، نثر/نامه: ۲-۳).

هدایت در ادامه می‌افزاید:

در پایان این نثر/نامه لختی از شماره‌های سال تازی و کارهای سودمند یک هزار و دو بیست و هفتاد و اند سال گذشته آنان که به کار می‌آیند و هنرمندان بیستند هم نگارش خواهد یافت (همان: ۴).

و در انتهای نسخه حوادث برجسته تاریخ تا سال ۱۲۷۴ق که می‌توان آن را تاریخ تألیف کتاب در نظر گرفت، به ترتیب آمده است. از نثر/نامه چهار نسخه موجود است که یکی در دانشگاه تهران با شماره (۳۰۵ ج حقوق) به خط مؤلف و بدون شماره صفحه است. نسخه دیگر را در موزه بریتانیا با شماره Or. 3378 می‌توان یافت. فهرست ریو که به نحو احسن به معرفی نسخه پرداخته است، نام دوست هدایت را که نثر/نامه به درخواست او نوشته شده، مانکجی لیمیچی هوشنگ هاتوریا آورده (Rieu 1895: 1/28-29) و او همان کسی است که بر فرهنگ انجمن آرای ناصری مقدمه نگاشته و در آنجا به سابقه مودت خود و هدایت نیز اشاره کرده است. نسخه سوم در کتابخانه بانکی پور هند با شماره ۵۱۸ نگهداری می‌شود (Ross 1918: 6/177). در نسخه حاضر از برگ ۱ تا ۷۷ در برگ‌برنده نثر/نامه و سپس تا برگ ۱۱۶ که پایان نسخه است حوادث عالم تا ۱۲۷۴ را شاهدیم. در فهرست بانکی پور به کم‌سوادی کاتب و اشتباهات عدیده‌ای که وارد متن نموده، اشاره شده و تاریخ نگارش این نسخه نیز صفر ۱۲۸۴ق آمده است. چهارمین نسخه نیز در بمبئی در کتابخانه ملا فیروز با شماره ۵ قابل دسترسی است (منزوی ۱۳۴۸: ۴۳۹۵-۴۳۹۶).

۱۵. لطایف‌المعارف

رساله‌ای است منثور و کوتاه با موضوع عرفان که هدایت هر بخش آن را عنوان «لطیفه» داده است. *لطایف‌المعارف* شامل پنجاه‌وپنج لطیفه می‌شود و در آن نکات مختلف عرفانی به اختصار طرح و با نثری مسجع و شیوا شرح شده است. در انتهای هر لطیفه نیز هدایت یک یا چند رباعی همخوان با موضوع سروده است. گفتنی است در میان سی و چند اثر هدایت این رساله بیشترین نسخه را دارد و گویا بیشتر طرف توجه رضاقلی خان بوده است.^{۱۷} نسخی که از *لطایف‌المعارف* موجود است عبارت‌اند از:

۱. مجموعه‌ای با شماره ۵۷۹۵ در کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی وجود دارد که هشتمین اثر آن (در اوراق ۱۹۱ پ تا ۲۰۴ ر) *لطایف‌المعارف* هدایت است (حسینی، ۱۳۶۷: ۱۵/۱۸۰-۱۸۳). خط آن نستعلیق از محمدتقی بن حاجی تراب شیرازی است که آن را در سالهای ۱۲۳۹-۱۲۴۰ ق کتابت کرده است. این نسخه قدیم‌ترین نسخه *لطایف‌المعارف* است که تا کنون یافت شده است.

۲. نسخه دیگر این رساله در مجموعه‌ای ۷۹ برگه با شماره ۵۹۲۵ در دانشگاه تهران موجود است. این رساله به خط نستعلیق و در سال ۱۲۴۴ ق توسط عبدالحسین نامی کتابت شده و رساله ششم این مجموعه *لطایف‌المعارف* است که در نوزده صفحه فراهم آمده است.

۳. در کتابخانه کاخ گلستان کلیاتی از اشعار هدایت با شماره ۵۵۸ به جا مانده که به دستور حسینعلی میرزا ملقب به فرمانفرما حاکم شیراز، در سال ۱۲۴۷ ق فراهم آمده است. این کلیات که ۴۸۶ صفحه دارد توسط هدایت گردآوری و نگاشته شده است و پس از مقدمه‌ای منثور در سبب تألیف کلیات، رساله *لطایف‌المعارف* در آن قرار دارد.

۴. در مجموعه‌ای از کتابخانه ملک به شماره ۶۲۲۰ که هدایت با خط نستعلیق نگاشته است (افشار ۱۳۷۱: ۲۷۴/۹) *لطایف‌المعارف* چهارمین اثر این مجموعه (اوراق ۳۱ پ تا ۴۸ ر) را به خود اختصاص داده است. تاریخ اتمام کتابت نسخه ربیع‌الثانی ۱۲۵۷ ق است.

۵. در مجموعه‌ای دیگر از کتابخانه ملک با شماره ۶۳۰۹ نیز رساله

لطایف المعارف هدایت دیده می‌شود. در بالای صفحه آغازین این مجموعه نوشته شده است:

رسالات حکمت دلالات حکمای قدیم پارسی که به نام پادشاهان ساسانی نژاد ترجمه گردیده‌اند و بعضی رسالات که از مشایخ محققین و فضایی معاصرین که به خواهش فقیر رضاقلی مولانای کاتب تحریر نمودند. به تاریخ شهر محرم الحرام ۱۲۸۴ صورت اتمام یافت. حرره هدایت.

این مجموعه ۱۹۶ برگ دارد که در فهرست نسخ خطی کتابخانه ملک (همان: ۳۱۶/۹) به اشتباه یکصد برگ یادداشت شده است. مجموعه دربردارنده دوازده رساله است و رساله پایانی لطایف المعارف است که صفحات ۳۴۷ تا ۳۹۱ را به خود اختصاص می‌دهد.

۶. نسخه دیگر با شماره ۱۳ رف در کتابخانه ملی موجود است (انوار ۱۳۴۳: ۹/۱) و علاوه بر رساله لطایف المعارف در صفحات ۱ تا ۲۸، کلیات هدایت را نیز دربر دارد. نام کاتب این نسخه نیامده، اما تاریخ کتابت آن ۱۲۶۰ ق است و ۲۱۸ برگ دارد. پس از لطایف نیز به ترتیب قصاید و غزلیات و دیگر اشعار هدایت را می‌بینیم. مهر ناصرالدین شاه در پایان این نسخه به نوبه خود قابل توجه است.

۱۶ و ۱۷. مجمع الاسرار و دلیل السالکین

این دو اثر در مجموعه‌ای (به شماره ۱۶۷: ادبیات، حکمت) در کتابخانه دانشگاه تهران محفوظ است. این مجموعه در برگیرنده آثار شاه نعمت‌الله ولی است که در آن به سیاق ریاض العارفین بخشها به «گلبن» و «گلشن» تقسیم شده و سپس سلسله معروفی را به همراه حالات برخی مشایخ آن به تفصیل معرفی کرده است. برخی از آثار معروف بزرگان سلسله نعمت‌اللهی همچون جامع الاسرار نور علیشاه و ترجمه خطبه البیان هم در این نسخه آمده است (دانش‌پژوه ۱۳۴۱: ۴۷). در انجام این رسالات تاریخ کتابت بین سالهای ۱۲۳۷ تا ۱۲۳۹ دیده می‌شود. نویسنده این مجموعه مشخص نیست، ولی نگارنده بی‌تردید این اثر را از قلم هدایت می‌داند؛ زیرا آخرین رساله این مجموعه مجمع الاسرار است که هدایت در آن نام خود را به عنوان مؤلف آورده است و دلیل متقن‌تر آنکه پیش از مجمع الاسرار که آخرین رساله از این مجموعه است، رساله دلیل السالکین در سرگذشت حاج زین‌العابدین شیروانی و

مجملی از تفسیر حاج ملا رضا کوثر علیشاه همدانی آمده است و چنان‌که آوردیم، هدایت به حاج زین‌العابدین شیروانی ارادت داشته و پیر و مراد هدایت نیز اوست. در این رساله اگر چه نامی از هدایت به صراحت نیامده است، مؤلف رساله دربارهٔ ریاض‌السیاحه اثر مرحوم شیروانی می‌نویسد:

در وقت نگارش بلخ و احوالات جناب سلطان ابراهیم ادهم — رحمة الله علیه — حقیر حاضر و حسب‌الاشارة آن جناب یکی از کرامات سلطان را منظوم نمود و آن جناب نیز بنا بر التفات نام این گمنام را ثبت و آن اشعار را در آن کتاب مستطاب مرقوم فرمود (هدایت، نسخهٔ خطی به شماره ۱۶۷: ادبیات، ۲۴۱ پ).

و در ریاض‌السیاحه در بیان احوال ابراهیم ادهم می‌خوانیم:

در حین تحریر احوال آن بزرگوار، فرزند مکرم و سعادت‌مند محترم، الواثق بلطف‌الله الخفی و الجلی میرزا رضاقلی خان الملقب به درویش هدایت‌علی یکی از کرامات آن حضرت را به سلک نظم کشیده در این سفینه ثبت گردید (شیروانی، ریاض‌السیاحه: ۱۹۰). پس آنکه حکایت کرامت ابراهیم ادهم را به سلک نظم کشیده جز هدایت نبوده و او همان کسی است که رسالهٔ دلیل‌السالکین و بلکه کتابت دیگر آثار این مجموعه را انجام داده است.

بدین صورت رسالهٔ دلیل‌السالکین را که در صفحات ۲۳۶ تا ۲۷۱ این مجموعه آمده است، باید اثری دیگر از هدایت دانست که تاکنون در هیچ‌کجا معرفی نشده است و هم اکنون این رساله به تصحیح نگارنده آمادهٔ چاپ و نشر گردیده است. رسالهٔ دیگر این مجموعه، مجمع‌الاسرار است که از صفحهٔ ۲۷۱ تا پایان نسخه یعنی صفحهٔ ۲۸۷ ادامه دارد. پنج صفحهٔ ابتدا مقدمه‌ای مستوفی در حمد و ستایش حضرت باری دارد و پس از آن چنین می‌نویسد:

غرض از تسطیر این مختصر که موسوم است به مجمع‌الاسرار اینک یکی از برادران روحانی و دوستان جانی بدین غافل از نهایت و بدایت، فقیر ضعیف هدایت اشاره کرده بود که کلمه‌ای چند در بیان بعضی عبارات و کنایات و مصطلحات اهل حقایق و معارف نوشته شود تا ناظران را از سر اشعار و رمز گفتار ایشان اشعاری رود، بالله توفیق (هدایت، نسخهٔ خطی به شماره ۱۶۷: ادبیات، ۲۷۳ پ).

۱۸. انیس‌العاشقین

جزء منظومه‌های ستهٔ ضروریه که بر وزن لیلی و مجنون نظامی سروده شده است.

این منظومه دوازده مقاله و یک خاتمه دارد. موضوع این منظومه ستایش ائمه هدی و ذکر احوال آن بزرگواران، همچنین عرفان و حکایات عارفان است و سه نسخه از آن یافت شد: یکی در همان مجموعه‌ای که در معرفی لطایف المعارف به آن اشاره کردیم با شماره ۶۲۲۰ در کتابخانه ملک که در اوراق ۴۸ پ - ۱۰۶ ر قرار دارد (افشار ۱۳۷۱: ۲۷۳/۹). کاتب آن خود هدایت و تاریخ اتمام آن ۱۲۴۲ ق است. نسخه دیگر این منظومه که ۷۸ برگ دارد در کتابخانه آستان قدس رضوی به شماره ۱۰۳۹۳ قابل دسترسی است. کاتب آن محمد قزوینی آشوری است و در رجب المرجب ۱۳۳۲ کتابت شده است. در فهرست کتابخانه آستان قدس تاریخ وفات رضاقلی را ۱۲۹۴ ق و تاریخ نظم انیس العاشقین را ۱۲۸۸ ق آورده که هر دو غلط فاحش است (مایل هروی ۱۳۶۱: ۸۶/۹). صاحب الذریعه در مورد تاریخ اتمام این منظومه به اشتباه می‌نویسد: «و فرغ منه سنه ۱۲۸۸» (تهرانی ۱۴۰۸ ق: ۴۶۲/۲). و گویا صاحب مکارم/آثار که همین تاریخ نادرست را برای سرودن انیس العاشقین آورده از الذریعه پیروی کرده است. حال آنکه دیدیم نسخه ملک به سال ۱۲۴۲ ق کتابت شده است.

اما نسخه سوم این منظومه با شماره Or. 3528 در موزه بریتانیا نگهداری می‌شود. نسخه حاضر ۱۴۶ برگ دارد و در برگبرنده هدایت‌نامه و انیس العاشقین هر دو از هدایت است (Rieu 1895: 1/227) و انیس العاشقین در بخش دوم، برگهای ۱۱۰ تا ۱۴۶ را به خود اختصاص می‌دهد. چنان که در فهرست ریو آمده است پایان نسخه قبل از اتمام مقاله دوازدهم افتادگی دارد و طبیعتاً نام کاتب و تاریخ نگارش آن را هم از میان برده است. ضمناً دو نسخه اخیر یعنی نسخه بریتانیا و نسخه آستان قدس در فهرست نسخه‌های خطی فارسی اثر استاد احمد منزوی یافت نشد (منزوی ۱۳۴۸: ۲۶۵۲/۴).

۱۹. منهج الهدایه

مثنوی دیگری از سته ضروریه هدایت در بحر مجتث که از حماسه‌های دینی محسوب می‌شود.

پس از حمد و ثنا و نعت حضرت مصطفی (ص) و سبب نظم کتاب و اشاره مختصری به تاریخ حضرت رسول (ص) و حوادث پس از شهادت علی بن ابی طالب (ع) وقایع

شهادت حضرت سیدالشهدا حسین بن علی (ع) و اصحاب کرام را از روز حرکت از مدینه منور تا کشته شدن مختار بن ابوعبیده ثقفی را در پنج هزار بیت انشا نموده (حائری ۱۳۵۳: ۴۹۵/۳).

اما از دو نسخه موجود این منظومه، اولی به شماره ۱۱۹۴ در کتابخانه مجلس نگهداری می‌شود. این نسخه ۱۶۴ برگ دارد و کاتب آن سلمان بن محسن حسینی ملقب به کاظم است. تاریخ کتابت ۱۲۵۵ق آمده و این همان تاریخ اتمام سرودن منظومه توسط هدایت است چرا که در ابیات پایانی نسخه می‌خوانیم:

دویست بود فزون از هزار و پنجه و پنج که گشت خاطر ویران گذرگه گنج
نسخه دیگر این اثر در کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی به شماره ۱۰۲۱۹ محفوظ است (حسینی ۱۳۷۵: ۱۹۰/۲۶ - ۱۹۱). این نسخه که ۱۳۳ برگ دارد به خط خود هدایت نوشته شده است و سال ۱۲۵۵ق به عنوان تاریخ کتابت در پایان نسخه دیده می‌شود. گفتنی است کتابی توسط کتاب فروشی حاج میرزا آقا قاضی سعیدی با همین عنوان *منهج الهدیه* از رضاقلی خان هدایت به چاپ رسیده است. کل مطالب این کتابچه را سه ترکیب‌بند بلند در مرثیه ائمه و امام حسین (ع) در بر می‌گیرد. این کتابچه مجعول سی صفحه‌ای از داشتن تاریخ چاپ و شماره صفحه نیز محروم است. خاطر نشان می‌کنم که اگر چه صاحب این سه ترکیب‌بند رضاقلی خان هدایت است و هر سه نیز در دیوان قصاید او مندرج، ولیکن به هیچ روی این اشعار و کتاب حاضر را با *مثنوی منهج الهدیه* او نباید اشتباه گرفت. اخیراً مطلع شدم و حید قنبری این منظومه را تصحیح و آماده چاپ کرده است.

۲۰. انوارالولایه

این منظومه نیز مثنوی دیگری از سته ضروریه است که هدایت آن را در ۶۵۴۰ بیت و برابر مخزن‌الاسرار نظامی سروده است. موضوع آن مدح و منقبت ائمه معصومین و در دوازده نور به عدد امامان تنظیم شده است. سال سرودن آن باید ۱۲۶۵ق باشد به طوری که پیش از آغاز نسخه مجلس نوشته شده است:

شد به جهان جلوه‌گر این تازه‌گنج بعد هزار و دوصد و شصت و پنج
از *انوارالولایه* سه نسخه یافت شد؛ یکی در کتابخانه مجلس به شماره ۱۵۸۴۲ در ۲۶۰ صفحه که هدایت خود در سال ۱۲۶۶ق آن را با خط نستعلیق کتابت کرده

است؛ نسخه دیگر *انوارالولایه* در کتابخانه ملک، شماره ۵۵۴۱ را داراست (افشار ۱۳۵۴: ۴۲/۲). اگر چه نام کاتب نیامده، در پایان نسخه تاریخ کتابت آن رمضان ۱۲۷۵ ق درج شده است. این نسخه ۱۸۷ برگ و هر برگ نوزده سطر دارد. نسخه سوم آن با شماره ۲۸۲۷ ف در کتابخانه ملی نگهداری می‌شود. نکته قابل ذکر این که نام نسخه حاضر در فهرست نسخ خطی این کتابخانه به اشتباه «طرفه گنج» ضبط شده است. حال آن که این اثر نسخه‌ای دیگر از *انوارالولایه* هدایت است و از آنجا که چند برگ ابتدایی نسخه مفقود شده است به اشتباه بر اساس بیتی بر افزوده در پایان نسخه نام «طرفه گنج» برای آن انتخاب شده است. بیت مزبور که با خطی متفاوت در پایان نسخه آمده، چنین است:

شد به جهان جلوه‌گر این طرفه گنج بوده هزار و دو صد و شصت و پنج
که دلالت بر تاریخ کتابت اثر دارد. این نسخه ۴۳۹ برگ دارد و در مقایسه با نسخه مجلس نه صفحه ابتدایی را ندارد. گفتنی است این مثنوی هدایت توسط یکی از دانشجویان کارشناسی ارشد دانشگاه پیام نور اصفهان و به راهنمایی نگارنده در حال تصحیح است.

۲۱. هدایت‌نامه

منظومه‌ای در بحر رمل که هدایت آن را به پیروی از مولانا سروده و جزء سته ضروریه است. دو نسخه از آن یافته شد: یکی آنکه پیش از این هم در معرفی *انیس العاشقین* بدان اشارت رفت در موزه بریتانیا به شماره Or. 3528 باقی و محفوظ است. این نسخه ۱۴۶ برگ دارد که ۱۰۹ برگ ابتدای آن *هدایت‌نامه* است. خط آن نستعلیق است و به سال ۱۲۵۳ ق در شیراز کتابت یافته است (Rieu 1895: 1/ 227 - 229). نسخه دیگر که گمنام و تازه‌یاب است در کتابخانه انجمن آثار و مفاخر فرهنگی (با شماره ۵۸ / ف) موجود است^{۱۸}. این نسخه به خط نستعلیق و توسط محمدکریم در شیراز و به سال ۱۲۵۳ ق کتابت شده است و ۳۵۴ صفحه دارد (انوار ۱۳۸۰: ۹۴). چنان‌که در بخش تخلص هدایت ذکر شد، پس از اینکه بر اثر رؤیای صادقه هدایت و مرحوم شیروانی، رضاقلی خان تخلص «چاکر» را به «هدایت» بدل کرد بعدها مثنوی *هدایت‌نامه* را سرود. بنابر آنچه گفته شد، می‌توان حدس زد که این منظومه

بیش از دیگر آثار او در بر دارنده اعتقادات و ارادت معنوی هدایت است.

۲۲. بحرالحقایق

یکی دیگر از مثنویهای سته ضروریه است که بر وزن و سیاق حدیقه سنایی سروده شده است. این منظومه نیز همچون حدیقه به ده فصل اصلی تقسیم شده که هر فصل آن «موج» خوانده می‌شود. این ده موج به مطالب گوناگونی می‌پردازد، از جمله صادر نخست در موج اول، عجایب جزایر و بحور در موج سوم، در ستایش پادشاه و آثار و اخبار آن که موضوع تاریخی دارد در موج ششم، و همچنین شرح ارباب حقایق و معارف در موج دهم. هدایت در هر موج، از کتابهای همخوان با موضوع استفاده می‌کند و در این بین از حکایات مختلف نیز بهره می‌گیرد و از قضا در مواردی این حکایات از چاشنی رکاکت و هزل نیز بر خوردارند. هدایت در دو موضع از مثنوی به سن چهل‌سالگی خود در هنگام سرودن اشاره می‌کند. تنها نسخه موجود از بحرالحقایق در کتابخانه ملک با شماره ۵۴۶۳ نگهداری می‌شود. این نسخه ۲۷۱ صفحه دارد و در سال ۱۲۵۷ق کتابت شده است. تصحیح پنج موج این منظومه پایان‌نامه کارشناسی ارشد نگارنده بوده که اینک تصحیح تمامی بحرالحقایق را به پایان رسانده و در حال نگارش تکمیلی تعلیقات و مقدمه آن است.

۲۳. خرم‌بهشت

آخرین مثنوی هدایت از مجموعه سته ضروریه که به بحر متقارب و به استقبال از شاهنامه سروده شده است. این مثنوی پخته و حجیم، هشت باب دارد و به جنگهای حضرت علی (ع) می‌پردازد که باید آن را از آخرین حماسه‌های دینی تاریخ ادب فارسی به حساب آورد. تنها نسخه خرم‌بهشت به خط نستعلیق در کتابخانه مجلس با شماره ۴۳۳ محفوظ است (اعتصامی ۱۳۱۱: ۲/۲۵۲). این نسخه که ۲۱۶ برگ دارد، در سال ۱۲۸۶ق کتابت شده است.

هدایت در اواخر این منظومه اطلاعاتی سودمند درباره خرم‌بهشت به ما می‌دهد:

| | |
|----------------------------|------------------------|
| از این پیش انباشتم پنج گنج | مرا بود در مثنویات پنج |
| بدین وزن شد طبع مایل مرا | موانع بسی گشت حایل مرا |

بنایش به ده سال از این پیش بود
همی یک دو برداشتم خامه را
پیرداختم این خانه با باب هشت
چو این نامه از سر به انجام رفت
مرا سال بر شصت بفرزوده‌اند
که طبع و نشاطم از این بیش بود...
به پایان رسانیدم این نامه را
کنون دفتر خمسه‌ام سته گشت
هزار و دوصد بود و هفتاد و هفت
و زین عمر، باقی ندانم که چند
(هدایت، خرم‌بهشت: ۴۲۰)

علاوه بر انسجام و استواری بیشتر این منظومه در مقایسه با دیگر مثنویهای سته ضروری، از آنجا که هدایت در اواخر خرم‌بهشت شرح حال مختصری از خود ارائه می‌دهد، این اثر اهمیتی دوچندان می‌یابد.

۲۴. خردنامه مظفری

از رضاقلی هدایت، تألیف قرن سیزدهم ق اهدا به: مظفرالدین شاه، این دیوان شامل حمد و ثنای الهی و نعت پیغمبر اسلام و ذکر انبیای بنی‌اسرائیل است و سپس در آن ضمن حکایاتی چند نصیحت و اندرز بزرگان یونان را به شعر کشیده است.

آغاز:

سر آغاز هر نامه یابد نگار
به نام جهان داور کردگار
انجام:

تو دانای امروز و فردای ما
به ما کیفر ما دهی وای ما

رمضان ۱۲۸۱ق، کاتب فضل‌الله منشی طباطبایی ۴۶ برگ ۱۱ سطر به شماره ۷۳۴
رف (انوار ۱۳۴۷: ۲/ ۲۵۷).

تنها نسخه موجود با مشخصات فوق در کتابخانه ملی نگهداری می‌شود. گفتنی است که بیت آغاز این مثنوی با بیت ابتدای خرم‌بهشت یکسان است.

۲۵. دیوان قصاید هدایت

نسخه‌ای از دیوان قصاید هدایت در کتابخانه مجلس با شماره ۱۰۸۴ موجود است. این دیوان در قطع رحلی و اهدایی مخبرالسلطنه هدایت است که ۶۳۷ صفحه دارد. دیوان با مسمطات هدایت در شتائیه و ربیعیه و خزانیه آغاز شده است. از صفحه ۸۱ تا ۸۹ سفید رها شده و از صفحه ۸۹ تا ۶۳۷ قصاید اوست به ترتیب حروف قوافی.

تاریخ تحریر آن ۱۲۷۵ق و کاتب آن هم خود هدایت است. در پایان نسخه تعداد ابیات آن را ۱۲۹۰۰ بیت نگاشته‌اند. نسخه دیگر از این دیوان در کتابخانه میرزا محمد کاظمینی در یزد با شماره ۲۱۵ موجود است^{۱۹} که در سال ۱۲۵۹ق توسط خود هدایت به خط شکسته‌نستعلیق کتابت شده و دارای ۳۳۲ برگ است (اشکوری ۱۳۸۳: ۱/۱۸۶). در سال ۱۳۸۶ سمیرا نجد سمیعی، دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه پیام نور مرکز تهران، دیوان قصاید هدایت را به عنوان پایان‌نامه خود تصحیح نموده است. در تصحیح این رساله تنها از نسخه کتابخانه مجلس استفاده شده و تأکید مصحح بر تک‌نسخه بودن دیوان قصاید هدایت، نشان می‌دهد که ایشان از وجود نسخه‌ای دیگر در کتابخانه میرزا محمد کاظمینی بی‌خبر بوده است.

۲۶. دیوان غزلیات هدایت

نسخه‌ای از آن در کتابخانه مجلس با شماره ۷۸۸۳ یافت شد که مخبرالسلطنه نواده هدایت اهدا کرده است. دیوان قطع رحلی و ۲۳۹ برگ ۲۵ سطری دارد. غزلیات از ابتدا تا صفحه ۴۱۲ آمده و از ۴۱۳ تا ۴۴۱ قطعات هدایت است. از صفحه ۴۴۲ تحت عنوان «تضمینات مصارع مجمر و غیره در غزلیات» ابیاتی را شاهدیم که تا صفحه ۴۴۸ ادامه دارد. سپس ترجیعات تا صفحه ۴۵۸ و بعد از آن ساقی‌نامه زیبای هدایت که به صفحه ۴۶۳ ختم می‌شود و در پایان رباعیات اوست که تا صفحه ۴۷۸ ادامه دارد. نسخه به خط عبدالله تفرشی در سال ۱۲۷۷ق نگاشته شده است. این نسخه در مجلدات اخیر فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مجلس آمده و با ایجازی نزدیک به مخل معرفی شده است (صدرایی خویی ۱۳۷۶: ۲۶/۳۵۸-۳۵۹). دومین نسخه آن در کتابخانه دانشگاه اصفهان با شماره ۲۰۸۲۴ ثبت شده است.^{۱۹} این نسخه ۱۰۸ برگ و هر صفحه پانزده سطر دارد. نام کاتب مشخص نیست اما از آنجا که در آغاز رباعیات جمله «رباعیات رضاقلی خان سلمه الله» را نگاشته نشان می‌دهد کاتب غیر از مؤلف است که برای هدایت دعای سلامت کرده است. تاریخ کتابت نیز ۱۲۸۵ق درج شده است.

۲۷. کلیات اشعار هدایت

نسخه‌ای از آن با شماره ۱۳ رف در کتابخانه ملی نگهداری می‌شود که ۲۱۸ برگ دارد و چنان‌که آمد، از صفحه ۱ تا ۲۸ رساله لطایف المعارف اوست. از صفحه ۳۱ دیوان شروع می‌شود تا ۲۲۰ قصاید می‌آید از ۲۲۳ تا ۳۷۷ غزلیات از ۳۷۷ تا ۳۸۹ قطعات و از ۳۸۹ تا ۴۰۰ ترجیع بند از ۴۰۰ تا ۴۰۶ خط ساقی‌نامه، خط آن نستعلیق نسبتاً خوش و تاریخ کتابت آن ۱۲۶۰ق است با مهر ناصرالدین شاه. (انوار ۱۳۴۳: ۱/ ۹).

نسخه دیگر در کتابخانه کاخ گلستان به شماره ۵۵۸ که در معرفی نسخ لطایف المعارف به آن اشارتی رفت.

نسخه چنین تقسیم شده است: مقدمه منشور، رساله لطایف در حقایق و معارف، منشآت و مکاتیب، مثنوی گلستان ارم با بکتاش‌نامه، قصاید (مرتب) - غزلیات (مرتب) - قطعات (مرتب) - ترجیعات - رباعیات (مرتب) «بیانی: ۴۶۸ - ۴۶۹». این دیوان در شیراز و به سال ۱۲۴۷ق کتابت شده است.

۲۸. ریاض العاشقین

کتابی است درباره سرگذشت شاه نعمت‌الله ولی و سلسله او که در مجموعه‌ای به شماره (۱۷۱- د، الهیات) دانشگاه تهران محفوظ است. نسخه به خط نستعلیق حاج محمدهادی مشهور به حاجی بابا نگارش یافته است. هدایت پس از مقدمه طولانی کتاب درباره شیوه تدوین و تبویب کتاب چنین می‌نویسد:

چون پس از آن جناب [شاه نعمت‌الله ولی] تا به حال تحریر این کتاب هشت تن از مشایخ به مقام عالی هدایت، ولایت و به جبهه دفع غوایت طالبان مشرف شده‌اند و پایه این سلسله عالی‌عالیه‌اند، لهذا بنای این کتاب را که موسوم است به ریاض العاشقین، به عدد مشایخ مذکور - کثرالله امثالهم - بر هشت گلشن و هر گلشن مشتمل بر هشت گلبن نهاده شده (هدایت، ریاض العاشقین: برگ ۲۱ر).

از شواهد درون متنی می‌توان دریافت که تاریخ تألیف آن سال ۱۲۳۸ق بوده است. چنان‌که در شرح احوال مرحوم مجذوب علیشاه کبودرآهنگی آورده است: «و حال تألیف این کتاب که سنه یک‌هزار و دوست‌وسی‌وهشت است در بیوک آباد من اعمال کبودر آهنگ همدان اوقات می‌گذرانند» (همان: ۷۳ر).

۲۹. منشآت

تا آنجا که اطلاع داریم دو نسخه از منشآت هدایت باقی است. یکی در کتابخانه ملک به شماره ۶۱۳۲ با خط نستعلیق خوش که در پایان آن آمده است: «حرره محمدعلی، بر حسب یادگار برای میرزا سلیمان تحریر شد، ۸ شوال ۱۲۹۳». در انتها یادداشتی دارد از علی اکبرین وقایع‌نگار متخلص به «هما» که نسخه را از ممتلكات خود خوانده است. این نسخه هجده برگ دارد. نسخه دیگر در کلیاتی که بیشتر معرفی شد در کاخ گلستان با شماره ۵۵۸. این منشآت، نامه‌هایی است عاشقانه که مخاطب خاص ندارد با نثر مسجع و لطیف.

۳۰. بیاض امیرالشعرا

کتاب شامل مطالب مختلف از جمله فواید گوناگون درباره خط و شعر و احجار و حیوانات، فصلی از مثنوی بحرالحقائق هدایت، اشعاری از مسعود سعد سلمان، عماد غزنوی، هدایت و... مثنویات هدایت در وصف شیراز، منشورات هدایت به شیوه نشاط اصفهانی و غیره است. کاتب آن هدایت است و ۱۴۸ برگ دارد. این نسخه در کتابخانه سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی موجود بوده که به دلیل ادغام این کتابخانه با کتابخانه ارشاد، نسخ خطی آن وضعی نامعلوم دارد و نگارنده در طی یک روز سرگردانی لابل دربه‌دری در کتابخانه‌های تهران از ملی و مجلس گرفته تا کتابخانه ارشاد و اسناد انقلاب اسلامی، سرانجام از یافتن این نسخه محروم ماند. معرفی و توضیحات بیاض امیرالشعرا از سایت بانک نسخ خطی اخذ گردید تا اینکه پس از چند ماه سرانجام نشان بیاض امیرالشعرا در کتابخانه ملی (که البته بیشتر نیز به آنجا رجوع نموده بودم) یافت شد. این نسخه در تارنمای کتابخانه ملی با نام «جنگ» و شماره ۱۶۰۰۳-۵ معرفی شده است.

۳۱. اصول الفصول فی حصول الوصول

کتابی است به نثر با موضوع عرفان و تصوف که دو نسخه از آن موجود است، یک نسخه آن با خط نسخ خوش در قطع رحلی که ۸۲۰ صفحه دارد. این نسخه نفیس هدایی نواده هدایت مخبرالسلطنه است که با شماره ۲۱۰۳ در کتابخانه مجلس

نگهداری می‌شود. نسخه دیگر در ۵۲۰ صفحه با خط نستعلیق تحریری که گویا به خط هدایت نگاشته شده، در کتابخانه دانشگاه بوعلی سینای همدان (به شماره ۵۷ ب) محفوظ است. هدایت در مقدمه این کتاب درباره هدف از تألیف و درون‌مایه اصول‌الفصول چنین می‌نویسد:

و محرر این اوراق حقایق آثار از صاحبی بزرگوار مأمور شد که در بیان بعضی امور حقه که به یکدیگر متعلق و مناسب‌اند از اخبار و احادیث حضرت نبوی و ائمه مرتضوی علیهم‌السلام و علمای کبار و حکمای بزرگوار و ارباب بینش و اصحاب را اصل و فصلی مرتب سازد، به تألیف این رساله پرداخت و آن را به اصول‌الفصول فی حصول‌الوصول موسوم ساخت. و فی‌الحقیقه این فقیر در میانه ناقل و کاتب خواهد بود نه قایل و صاحب.

این کتاب پس از بیان اصول و فصولی درباره عرفان و تصوف به معرفی شخصیتها و چهره‌های برجسته عرفانی از مشایخ و اقطاب هر سلسله می‌پردازد و از جمله ویژگیهای کتاب آن است که هدایت پس از معرفی کامل عرفا و ذکر تألیفات هر یک یا به تمامی یا بخش اعظم کتاب و رسالات مهم آنان را در اصول‌الفصول درج می‌نماید. برای نمونه پس از معرفی مظفرعلی شاه کرمانی (در صفحه ۶۱۸ نسخه مجلس) رساله کبریت/حمر او را به طور کامل می‌آورد. ضمناً باید خاطر نشان کرد که یکی از منابع مهم و مسلم معصوم‌علی شیرازی در طرائق‌الحقایق همین اصول‌الفصول هدایت است و با مراجعه به فهرست کتب که در پایان طرائق تنظیم شده می‌توان استفاده مکرر معصوم‌علی را از این کتاب به خوبی مشاهده کرد. نیمه پایانی که بخش مهم و ناب اصول‌الفصول به حساب می‌آید، به عنوان رساله دکتری نگارنده تصحیح شد. دفاع از این رساله در شهریور ماه ۱۳۸۷ انجام پذیرفت.^{۲۰}

۳۲. پرتوستان

تذکره‌ای است مختصر اما سودمند در باب بزرگان حکما، عرفا و مشایخ متأخر و هم‌روزگار هدایت که حاوی اطلاعات ارزشمندی است به ویژه که اکثر مطالب آن را دیده‌ها و تجارب شخصی هدایت در برمی‌گیرد. پرتوستان به سال ۱۲۸۳ق و در شهر تبریز به نگارش درآمده است؛ زمانی که هدایت به تربیت و للگی مظفرالدین میرزا مأمور بوده است. نسخه حاضر در سال ۱۲۸۵ق توسط اسدالله خان تنکابنی و با

خط نستعلیق در ۶۵ صفحه کتابت شده است. قریب به اتفاق مطالب این اثر مربوط است به دو سلسله نعمت‌اللهیه و ذهبیه که بیشترین شمول را در عصر قاجار دارند و بیش از همه نقش میرزا ابوالقاسم سکوت عارف برجسته ذهبی در این اثر به چشم می‌خورد. تک‌نسخه موجود از پرتوستان در کتابخانه ملی و با شماره ۴۸۴۸ ف قابل دسترسی است.^{۲۱}

۳۳. الوان‌النعم

رساله‌ای است تازه‌یاب که در ضمن فهرست نسخ کتابخانه مجلس که توسط جواد بشری فراهم آمده، به دقت و با ذکر جزئیات معرفی شده است.^{۲۲} این رساله به سیره و طریقه شاه نعمت‌الله ولی اختصاص دارد و هدایت اشاره می‌کند که به دلیل عدم اطلاعات درست از زندگی این عارف بزرگ، دوستان از او خواستند تا رساله‌ای در شرح احوال شاه نعمت‌الله ولی فراهم آورد و رساله الوان‌النعم پاسخی به این درخواست بوده است. کاتب این رساله پنجاه برگه حسن مراغه‌ای نام دارد که به سال ۱۳۲۲ ق در تهران آن را به رشته تحریر در آورده است (بشری: ۱/۲۷/۱۲۶-۱۲۸).

پی‌نوشتها

۱. حکیم‌الممالک، طبیب ناصرالدین شاه، شرح اولین سفر او را به خراسان نوشته و در ذیل چارده کلاته می‌نویسد: «جزء ولایت هزارجریب است و آبا و اجداد رضاقلی خان امیرالشعرا مشهور به لسه‌باشی از آنجا بوده و به واسطه بستگی این طایفه به سلسله علیّه قاجاریه و ارادت‌کیشی به محمدحسین خان قاجار، زکی‌خان زند گاه مأموریت به استرآباد چهل نفر از رؤسای آن ولایت را که یکی جدّ رضاقلی خان بوده به قتل رسانیده، از سر آنها کله منار ساخته آثار آن اندکی باقی است» (حکیم‌الممالک ۱۳۵۶: ۴۲۵-۴۲۶).
۲. اینکه آقای کیان‌فر در مقدمه روضه‌الصفای ناصری می‌نویسد: «پس از سالی چند مادرش از زیارت مکه به فارس برگشته و در آنجا به عقد محمد مهدی خان شحنه درمی‌آید» (میرخواند روضه‌الصفای: ۱/چهل و دو، «مقدمه») به نظر درست نمی‌آید؛ زیرا والدّه هدایت از بارفروش به فارس رفته و به همسری شحنه درآمده است نه از مکه و اساساً سفر مکه برای آن زن حکم سفر آخرت را داشته که از آن باز نمی‌گردد.
۳. آقای مهدی بامداد در شرح حال رجال ایران، جلد دوم ذیل صفحه ۲۹ می‌نویسد: «م.ق.

- هدایت (مخبرالسلطنه) نواده رضاعلی خان در ذیل صفحه ۳ کتاب *خاطرات و خطرات* تألیف خود می‌نویسد: رضاعلی خان هفت‌ساله بوده در صورتی که رضاعلی خان در سال ۱۲۱۵ ق متولد و پدرش در سال ۱۲۱۸ ق درگذشته باید سه‌الی چهار سال داشته باشد نه هفت سال. مخبرالسلطنه در این مورد اشتباه کرده است. «آقای کیان‌فر نیز با استناد به همین جمله مخبرالسلطنه در *خاطرات و خطرات* درباره سن هدایت هنگام فوت پدر می‌نویسند: «به نوشته مخبرالسلطنه هدایت، رضاعلی خان هفت‌ساله بود و تولد او را سال قبل از ۱۲۱۵ می‌نویسد» (میرخواند، *روضه‌الصفاء*: ۱/چهل‌ودو، «مقدمه»). در حالی که مخبرالسلطنه هنگام ازدواج مادر هدایت با شحنه، رضاعلی خان را هفت‌ساله می‌داند نه هنگام فوت پدرش، پس در این فقره هم آقای بامداد و هم جناب کیان‌فر از سویی و از سوی دیگر — چنان‌که در متن مقاله می‌آید — مخبرالسلطنه، هر سه خبط نموده‌اند.
۴. برای دیدن شرح حال او، نک: هدایت، *مجمع‌الفصحا*: ۵/۵۴۲؛ همو، *ریاض‌العارفین*، ص ۴۴۳؛ همو، *تاریخ روضه‌الصفاء*: ۱۴/۸۱۱۳؛ دیوان‌بیگی، *حدیقه‌الشعرا*: ۲/۸۳۵ - ۸۳۸ (و تعلیقات سودمند آن)؛ گرجی‌نژاد، *تذکره‌اختر*: ۱۱۱؛ نواب، *تذکره‌دلگشا*: ۶۱۰ - ۶۱۴.
۵. هدایت چون دختر شحنه، مریم خانم، را به همسری برگزید نسبت جدید نیز با شحنه به هم رسانید؛ چنان‌که خود می‌نویسد: «مؤلف را با وی دو سه قرابت و از آن جمله یکی مصاهرت اوست» (میرخواند، *روضه‌الصفاء*: ۱۴/۸۱۱۳).
۶. برای آگاهی مفصل درباره مشرب تصوفی هدایت، رجوع شود به مقاله نگارنده با عنوان «طریقه طریقتی رضاعلی خان هدایت» در شماره ۲۱ از *مجله عرفان ایران*، صفحات ۸۵-۹۳.
۷. نک: سپهر، *ناسخ‌التواریخ*: ۱/۴۳۵-۴۳۶؛ هدایت، *فهرس‌التواریخ*: ۴۱۷؛ اعتمادالسلطنه، *تاریخ منتظم ناصری*: ۳/۱۶۰۰؛ میرخواند، *روضه‌الصفاء*: ۱۴/۷۹۲۷ به بعد.
۸. آقای آراین‌پور درباره اشعار هدایت می‌نویسد: «اشعار او همگی تقلیدی است از مضامین شعری گویندگان قدیم که هیچ‌گونه خصوصیتی در آنها نمی‌توان یافت و اجمالاً در میان شعرای دربار قاجار مقام ارجمند و قابل توجهی ندارد» (آراین‌پور ۱۳۷۲: ۱/۲۶۳). این چنین قضاوتی در مورد اشعار هدایت دور از انصاف است و در حالی که او لقب «امیرالشعرای» از جانب فتحعلی‌شاه داشته است چگونه می‌توان گفت «در میان شعرای دربار قاجار مقام ارجمند و قابل توجهی ندارد». اساساً زمانی که اشعاری از او به چاپ نرسیده، چنین داوری کردن محل تأمل است.
۹. مهدی بامداد در شرح *حال رجال ایران* (۲/۴۰) و مخبرالسلطنه در *خاطرات و خطرات* (بیست‌وهشت) به اشتباه این واقعه را در سال ۱۲۵۶ ق ثبت کرده‌اند.
۱۰. محمد مهدی خان شحنه خواهری داشته با نام «ننه خانم» مشهور به «حاجیه استاد» که همسر فتحعلی‌شاه بوده و دو دختر از شاه داشته، یکی «طیغون» و دیگری «عزت‌نسا» که چالاک و

قوی بوده است. احمدخان عضدالدوله در مورد او می‌نویسد: «با اکثر از برادرهای والا گوهر در حضور خاقانی پنجه می‌کرد و بر حریف فایق می‌آمد» (عضدالدوله، تاریخ عضدی: ۳۷). او ابتدا همسر موسی خان پسر حسینقلی خان برادر فتحعلی‌شاه بود و پس از مرگ او اجباراً به همسری حاجی میرزا آقاسی در آمد.

۱۱. در مکارم‌الآثار: ۱-۲/ ۵۴۲، تاریخ ۱۲۵۷ ق ذکر شده که بی‌شک نادرست است.
۱۲. مصحح گلستان ارم در مقدمه این کتاب می‌نگارد: «[هدایت] دو سال به تعلیم و راهنمایی ولیعهد رنجور می‌پردازد و سپس به تهران باز می‌گردد» (هدایت، گلستان ارم: ۱۶). در حالی که با تصریح هدایت مبنی بر خدمت و ملازمت پنج‌ساله ولیعهد در تبریز، این سخن بی‌پایه و اساس می‌نماید.
۱۳. آقای آراین پور این تاریخ را سال ۱۲۷۸ ق نوشته است (آراین پور ۱۳۷۲: ۱/ ۲۶۲) که با سخن صریح هدایت سازگاری ندارد.
۱۴. کنت دو گوینو در کتاب سه سال در ایران از این وبای عام که خود شاهد عینی آن بوده، توصیف جانسوزی دارد (دو گوینو ۱۳۸۵: ۸۷-۹۰).
۱۵. مخبرالسلطنه در ذیل همان صفحه به عنوان پی‌نوشت اضافه می‌کند: «فتح‌الله خان شیبانی در رساله دیگری، مدعی است که قطعه

بتا متاب سیه‌زلف بر سپید پرند بدین فسون نتوانی مرا کشید به بند

از من است و در مجمع‌الفصحا به نام ابوالنصر شیبانی نوشته شده است. اگر قطعه در حیات رضاقلی خان هدایت گفته شده، چه شده است که بر رضاقلی خان نخوانده است با وجودی که دوستش داشته‌اند و در دربار محمدشاه از همگنان بوده‌اند و در مجمع‌الفصحا به خصوصیتی که در بین بوده است از اشعار فتح‌الله خان به ردیف انتخاب شده است و اگر بعد از رضاقلی خان گفته، ایشان چرا در تذکره یاد آورده‌اند و لابد قطعه را صاحب مجمع‌الفصحا در جایی دیده است و نگاشته و زمان آنقدر زیاد نبوده است که بگوییم قطعه در بیاض یا جنگی رفته و به نظر صاحب مجمع‌الفصحا رسیده است. به هر حال استوار داشتن دعوی خالی از اشکال نیست. قطعه را هر که گفته است خوب گفته و ما روان هر دو را مغفرت می‌خواهیم. متجاوز از سی سال فتح‌الله خان و رضاقلی خان آشنایی و برخورد داشته‌اند و مدتی گرفتاری برای گوینده بوده است که گوید: «اگرچه در خم یک زلف دیر ماند به بند» و این بیشتر با دوره جوانی و شادابی مناسب است» (مخبرالسلطنه، خاطرات و خطرات: ۳۴).

۱۶. از همین رو اعتمادالسلطنه در مرآة‌البلدان می‌نویسد: «چون حاوی مهمات مطالب جغرافی و تاریخ است، ما همان را نخبه نموده در این مورد ایراد می‌نماییم» (اعتمادالسلطنه، تاریخ منتظم ناصری: ۲/ ۱۰۱۰-۱۰۴۷، ذیل حوادث ۱۲۶۷).

۱۷. رساله لطایف‌المعارف توسط نگارنده به عنوان طرح پژوهشی تصحیح شده و در دانشگاه پیام‌نور استان اصفهان موجود است.

۱۸. هدایت‌نامه را سرکار خانم شجاعی از پژوهشگران انجمن آثار و مفاخر فرهنگی بر اساس تک نسخه همین انجمن تصحیح نموده و در دست چاپ دارند.
۱۹. اطلاع از وجود این نسخه را مدیون دوست دیرینم محمود ندیمی هستیم.
۲۰. نگارنده این اثر را در مقاله‌ای با نام «اصول‌الفصول، دانشنامه‌ای گمنام در تحقیقات عرفانی» به طور کامل معرفی نموده که در شماره ۲۰۴ مجله دانشکده ادبیات دانشگاه تبریز به چاپ رسیده است.
۲۱. نگارنده این تذکره مختصر را تصحیح نموده و در حال تکمیل تعلیقات آن است.
۲۲. فهرست اخیر بیش از ۵۲۰ صفحه دارد و در آن دوپست نسخه از نسخ فهرست نشده کتابخانه مجلس از شماره ۸۰۰۱ تا ۸۲۰۰ با دقتی مثال‌زدنی معرفی شده است. از دوست فرهیخته، جواد بشری، که بنده را از وجود *الوان‌النعم* آگاه نمودند و بی‌هیچ منت نسخه‌ای رایانه‌ای نیز از این فهرست در اختیارم گذاردند، سپاسگزارم.

منابع:

- آرن پور، یحیی، ۱۳۷۲ش، *از صبا تا نیما*، تهران، ۲ ج.
- استوری، ۱۳۵۳ش، «تذکره شعرا»، ترجمه تقی بینش، مجله دانشکده ادبیات مشهد، س ۷، ش ۳، ص ۷۰۱.
- اعتصامی، یوسف، ۱۳۱۱ش، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مجلس، تهران، ج ۲.
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان، *تاریخ منتظم ناصری*، به کوشش محمداسماعیل رضوانی، تهران، ج ۱، ۳، ۱۳۶۷ش.
- _____، *صدرالتواریخ*، به کوشش محمد مشیری، تهران، ج ۲، ۱۳۵۷ش.
- _____، *مرآةالبلدان*، به کوشش عبدالحسین نوایی و میرهاشم محدث، تهران، ۳ ج، ۱۳۶۷ش.
- افشار، ایرج، ۱۳۸۳ش، فهرست مقالات فارسی، تهران، ۶ ج.
- _____ و محمدتقی دانش‌پژوه، ۱۳۷۱ش، فهرست نسخه‌های خطی ملک، مشهد، ج ۹.
- اقبال، عباس، ۱۳۲۶ش، «امیرکبیر و هدایت»، مجله یادگار، س ۴.
- انوار، عبدالله، ۱۳۴۳ش، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه ملی، تهران، ج ۱.
- ایرج‌پور، محمدابراهیم، ۱۳۸۳ش، «طریقه طریقتی رضاقلی خان هدایت»، *عرفان ایران*، ش ۲۱، پاییز.
- بامداد، مهدی، ۱۳۴۷-۱۳۵۱ش، *شرح حال رجال ایران*، تهران.
- بشری، جواد، (زیر چاپ)، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی، ج ۱/۲۷.
- بهار، محمدتقی، ۱۳۷۳ش، *سبک شناسی*، تهران، ۳ ج.
- تهرانی، آقا بزرگ، ۱۴۰۸ق، *الذریعه*، مؤسسه اسماعیلیان، قم، ج ۱۱.

- نامواره دکتر محمود افشار، به کوشش ایرج افشار، موقوفات دکتر محمود افشار، ج ۶، تهران، ۱۳۷۰ش.
- حائری، عبدالحسین، ۱۳۵۳ش، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مجلس، تهران، ج ۳.
- حبیب‌آبادی، محمدعلی، ۱۳۴۲-۱۳۸۲ش، مکارم‌الآثار، اصفهان، ج ۸.
- حسینی، سید احمد، ۱۳۶۷ش، فهرست کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی، قم، ج ۱۵.
- _____، ۱۳۷۵ش، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی، قم، ج ۲۶.
- _____، ۱۳۸۰ش، فهرست نسخه‌های خطی مرکز احیاء میراث اسلامی، تهران، ج ۲.
- حسینی اشکوری، جعفر، ۱۳۸۳ش، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه میرزا محمد کاظمینی، ج ۱.
- حکیم‌الممالک، علی‌نقی، روزنامه سفر خراسان، به کوشش ایرج افشار، تهران، ۱۳۵۶ش.
- خیامپور، عبدالرسول، ۱۳۶۸ش، فرهنگ سخنوران، تهران، ج ۲.
- دانش‌پژوه، محمدتقی، ۱۳۴۱ش، نسخه‌های خطی کتابخانه دانشکده ادبیات (مجموعه وقفی علی اصغر حکمت)، تهران.
- دو گوینو، کنت، ۱۳۸۵ش، سه سال در ایران، ترجمه ذبیح‌الله منصوری، تهران.
- دیوان‌بیگی، احمد، حدیقه‌الشعرا، به کوشش عبدالحسین نوایی، تهران، ج ۳، ۱۳۶۶ش.
- رییکا، یان و دیگران، ۱۳۷۰ش، تاریخ ادبیات ایران، ترجمه کیخسرو کشاورزی، تهران.
- سپهر، محمدتقی، ناسخ‌التواریخ (تاریخ قاجاریه)، به کوشش جمشید کیان‌فر، تهران، ۱۳۷۷ش.
- شیرازی (خاوری)، فضل‌الله، ۱۳۸۰ش، تاریخ ذوالقرنین، تحقیق ناصر افشارفر، تهران.
- شیرازی، معصوم علی، طرائق‌الحقایق، به کوشش محمدجعفر محبوب، تهران، ۱۳۸۲ش.
- شیروانی، زین العابدین، ریاض‌السیاحه، به کوشش حامد ربانی، تهران، ۱۳۶۲ش.
- صدرایی خوبی، علی، ۱۳۷۶ش، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مجلس، تهران، ج ۲۶.
- عطار، شیخ فریدالدین، الهی‌نامه، به کوشش فؤاد روحانی، تهران، ۱۳۷۶ش.
- عضالدوله، احمد خان، تاریخ عضدی، به کوشش عبدالحسین نوایی، تهران، ۱۳۷۶ش.
- گرجی‌نژاد (اختر)، احمد، تذکره اختر، به کوشش عبدالرسول خیامپور، تبریز، ۱۳۴۲ش.
- گروسی، فاضل خان، ۱۳۷۶ش، تذکره انجمن خاقان، با مقدمه توفیق سبحانی، تهران.
- گلچین معانی، احمد، ۱۳۶۳ش، تاریخ تذکره‌های فارسی، تهران، ج ۲.
- مایل هروی، نجیب، ۱۳۶۱ش، فهرست کتب خطی آستان قدس رضوی، مشهد، ج ۹.
- مخبرالسلطنه (هدایت)، مهدیقلی، خاطرات و خطرات، تهران، ۱۳۶۳ش.
- معلم حبیب‌آبادی، محمدعلی، مکارم‌الآثار، به کوشش محمدباقر کتابی، اصفهان، ج ۱ و ۲، ۱۳۷۷ش.
- منزوی، احمد، ۱۳۸۱ش، فهرستواره کتابهای فارسی، تهران، ج ۶.
- _____، ۱۳۴۴ش، فهرست کتابخانه مجلس، تهران، ج ۶.
- میرخواند، روضه‌الصفاء، به کوشش جمشید کیان‌فر، تهران، ۱۳۸۰ش.

- نواب، علی اکبر، تذکره دلگشا، به کوشش منصور رستگارفسای، شیراز، ۱۳۷۱ش.
- وثیق، منصوره، ۱۳۷۹ش، فهرست کتب چاپ سنگی کتابخانه مرکزی تبریز، قم.
- هاشمیان، احمد، ۱۳۷۹ش، تحولات فرهنگی ایران در دوره قاجاریه و مدرسه دارالفنون، تهران.
- هدایت، رضاقلی خان، اجمل التواریخ، چاپ سنگی، تبریز، ۱۲۸۳ق.
- _____، [بی تا]، اصول الفصول فی حصول الوصول، تهران، نسخه خطی به شماره ۲۱۰۳.
- _____، [بی تا]، اصول الفصول فی حصول الوصول، کتابخانه بوعلی سینای همدان، نسخه خطی به شماره ۵۷ ب.
- _____، انجمن آرای ناصری، به کوشش اسماعیل کتابچی، تهران، ۱۲۸۸ق.
- _____، بحرالحقایق، کتابخانه ملک، نسخه خطی به شماره ۵۴۶۳، ۱۲۶۵ق.
- _____، تاریخ روضه الصفای ناصری، به کوشش جمشید کیان فر، تهران، ۱۳۸۰ش.
- _____، خرم بهشت، نسخه خطی مجلس، به شماره ۴۳۳.
- _____، ریاض العارفین، به کوشش مهر علی گرکانی، تهران، بی تا.
- _____، ریاض العاشقین، مجموعه خطی به شماره ۱۷۱ د، الهیات.
- _____، ریاض المحبین، چاپ سنگی، چاپخانه میر محمدباقر، تهران، ۱۲۷۰ق.
- _____، سفارتنامه خوارزم، به کوشش جمشید کیان فر، تهران، ۱۳۸۵ش.
- _____، سفارتنامه خوارزم، به کوشش علی حصوری، تهران، ۱۳۵۶ش.
- _____، فهرس التواریخ، به کوشش عبدالحسین نوایی و میرهاشم محدث، تهران، ۱۳۷۳ش.
- _____، گلستان ارم، به کوشش بهروز محمودی بختیاری، تهران، ۱۳۸۱ش.
- _____، مجمع الفصحا، به کوشش مظاهر مصفا، تهران، ۱۳۳۶ - ۱۳۴۰ش.
- _____، مظاهر الانوار، چاپ سنگی، تبریز، ۱۲۸۰ق.
- _____، مفتاح الكنوز، به کوشش جعفر سجادی، تهران، ۱۳۷۰ش.
- _____، مجموعه خطی به شماره ۱۶۷ ادبیات، حکمت، دانشگاه تهران، [بی تا].
- _____، مدارج البلاغه، شیراز، ۱۳۵۵ش.
- _____، مدارج البلاغه، به کوشش حمید حسنی، تهران، ۱۳۸۳ش.
- _____، نژادنامه، نسخه خطی، شماره ۳۰۵ ج حقوق دانشگاه تهران.
- Rieu, Ch., 1895, *Persian Manuscripts in the British Museum*, London, vol. 1.
- Ross, E.D., 1918, *Catalogue of Arabic and Persian Manuscripts at Bankipore*, vol. 6.